

بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه^۱

مجید بزرگمهری^۲

چکیده

مطالعه حقوقی نظام های انتخاباتی مختلف و بررسی تطبیقی آنها، همواره زمینه ساز بهینه سازی مقررات و قوانین مرتبط با انتخابات در ادبیات حقوق اساسی کشورها است. بررسی تطبیقی دو نظام انتخاباتی جمهوری اسلیمی ایران و جمهوری پنجم فرانسه می تواند در شناخت بهتر نقاط ضعف و قوت هر دو نظام بسیار مفید باشد. با عنایت به وجود وجوه افتراق کم و بیش زیاد در موضوع شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در دو نظام انتخابات ریاست جمهوری ایران و فرانسه، برآن شدیم تا موضوع مذکور به صورت تفصیلی در مقررات و قوانین دو کشور مطالعه تطبیقی گردد و بدین سان نقاط قوت و ضعف هریک تا حدودی آشکار گردد. در ابتداء شرایط رای دهندگان در دو نظام انتخاباتی مطالعه شده و سپس شرایط واجدین شرایط نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری ارزیابی تطبیقی شده است. در موضوع شرایط انتخاب کنندگان به نظر می رسد نظام انتخاباتی ایران تمایل به افزایش جمعیت شرکت کننده در انتخابات داشته است و احتمالاً این امر را از عوامل ثبات و پایداری نظام دانسته است. در نظام حقوقی فرانسه، بجای متغیر تعداد شرکت کنندگان، کیفیت مشارکت افراد و توانمندی ذهنی و اجتماعی رای دهنده بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در نظام انتخاباتی ایران حصول پاره ای از شرایط کمی و کیفی قابل ملاحظه برای احراز صلاحیت یک نامزد ریاست جمهوری ضروری است ولی در نظام انتخاباتی فرانسه، شرایط انتخاب شوندگان کمی است و از شروط کیفی پرهیز شده است.

کلیدواژه ها: انتخاب کنندگان، انتخاب شوندگان، نظام انتخاباتی.

۰۱ مقدمه

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۵/۱۱/۲

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۷/۱۳

^۲ استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

مطالعه حقوقی نظام های انتخاباتی مختلف و بررسی تطبیقی آنها ، همواره زمینه ساز بهینه سازی مقررات و قوانین مرتبط با انتخابات در ادبیات حقوق اساسی کشورها است .

کشور فرانسه از زمان پیروزی انقلاب ۱۷۸۹ م تاکنون رژیم های انتخاباتی متعدد و متنوعی را تجربه کرده است و نظام انتخاباتی جمهوری پنجم ، حاصل این تجربیات پرفراز و نشیب است .

جمهوری اسلامی ایران نیز پس از پیروزی انقلاب خود در ۱۳۵۷ هـ . ش (۱۹۷۹ م) با تکیه بر قانون اساسی و قوانین عادی خود ، نظام انتخاباتی خاصی را در ساختار حقوق اساسی خود ترسیم ساخته است .

بررسی تطبیقی این دو نظام انتخاباتی می تواند در شناخت بهتر نقاط ضعف و قوت هر دو نظام بسیار مفید باشد زیرا که همگان اذعان دارند استفاده از تجربیات سایر ملل از جمله اقدامات ضروری برای بهبود قوانین تلقی می شود و قسمت ب بند ۶ اصل دوم قانون اساسی ایران نیز استفاده از تجربیات بشریت را از جمله مبانی نظام دانسته است .

با عنایت به وجود وجوه افتراق کم و بیش زیاد در موضوع شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در دو نظام انتخابات ریاست جمهوری ایران و فرانسه ، برآن شدیم تا موضوع مذکور به صورت تفصیلی در مقررات و قوانین دو کشور مطالعه تطبیقی گردد و بدین سان نقاط قوت و ضعف هریک تا حدودی آشکار گردد .

- شرایط انتخاب کنندگان

- ایران

در نظام انتخاباتی ایران براساس ماده ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری (مصوب ۱۳۶۴/۴/۵) سه شرط برای رای دهندگان لحاظ شده است :

۱. برخورداری از تابعیت ایران ، ۲. ورود به سن ۱۶ سالگی (اتمام ۱۵ سال شمسی) ۳. عدم جنون .

با عنایت به عام بودن قید تابعیت در ماده قانونی به نظر می رسد کلیه اشخاص که تابعیت ایران را در روز انتخابات دارند اعم از اصلی ، اکتسابی و یا تبعی حق شرکت در انتخابات و رای دادن را می یابند .

اجرای این حق با توجه به شرط ارائه شناسنامه در روز اخذ رای در مواردی مشکل ساز است ، زیرا که در حالت تابعیت اکتسابی (بند هفتم ماده ۹۷۶ قانون مدنی) ، ممکن است بین زمان صدور سند تابعیت فرد و صدور شناسنامه فاصله باشد و یا در حالت تابعیت تبعی (بند ۶ ماده ۹۷۶ و ماده ۹۸۴ قانون مدنی) باز بین زمان حصول تابعیت ایرانی برای زوجه خارجی و یا فرزند صغیر خارجی با سن بین ۱۵ تا ۱۸ تا صدور شناسنامه فاصله باشد و در نتیجه یک تبعه ایرانی امکان استفاده از حق رای را نمی یابد .

در ارتباط با شرط سنی ۱۵ سال شمسی تمام ، به نظر می رسد نظام حقوقی ایران ، پایان قطعی ۱۵ سالگی و ورود به ۱۶ سالگی را معیار اهلیت سیاسی اناث و ذکور برای شرکت در انتخابات دانسته است . در این رابطه علت پیش بینی ۱۵ سالگی به عنوان معیار اهلیت سیاسی مشخص نیست چون از لحاظ مقررات شرعی ، سن اهلیت عقد

نکاح در اناث ۹ سال قمری و در ذکور ۱۵ سال قمری است. از زاویه اهلیت استیفاء، ۱۸ سال شمسی برای ذکور و اناث و اهلیت تقاضای ورود به تابعیت ایران، ۱۸ سال شمسی (بند ۱ ماده ۹۷۹ قانون مدنی) و اهلیت تقاضا برای خروج از تابعیت ۲۵ سال شمسی (بند ۱ ماده ۹۸۵ قانون مدنی) معتبر می باشد لذا مشخص نیست پیش بینی ۱۵ سال شمسی مبتنی بر چه معیاری و یا ارزیابی علمی است.

شرط سوم یعنی عدم جنون به صورت کلی ذکر شده است و قیودی مانند ادواری و یا دائمی ندارد، لذا حمل بر این می شود که فردی که دارای جنون به مفهوم عرفی آن است حق رای دادن ندارد.

در این رابطه شایان ذکر است که احراز وضعیت جنون و یا عدم آن همواره برای مقامات اجرایی و نظارتی انتخابات مسئله ساز است زیرا که ممکن است فرد مجنون در مدت کوتاه حضور در شعبه اخذ رای، تبادل به حرکات و اعمال حاکی از جنون ننماید و از آنجا که موضوع محجوریت از باب جنون در شناسنامه اشخاص قید نمی شود لذا فقط در شرایطی که فرد مجنون حالات دیوانه وار را در زمان حضور در شعبه از خود بروز دهد، امکان ممانعت از رای دادن او وجود دارد.

- فرانسه

در فرانسه براساس ماده ۳ قانون اساسی، اتباع فرانسوی که به سن ۱۸ سال شمسی تمام رسیده اند و از حقوق سیاسی و مدنی برخوردارند حق شرکت در انتخابات را دارا می باشند.

همانطور که ماده فوق اشعار می دارد. نظام انتخابات فرانسه همگانی است و کلیه شهروندان فرانسوی بدون لحاظ جنسیت، مذهب، رنگ پوست، نژاد و طبقه اجتماعی حق شرکت در انتخابات را دارند ولی حداقل سن لازم، ۱۸ سال قید شده است. ذکر حداقل سن در متن قانون اساسی، حاکی از توجه خاص قانونگذار به این متغیر است.

در خصوص شرط تابعیت فرانسوی از آنجا که واژه اتباع فرانسوی پسوند و یا مقید به صفت اصلی نشده است، کلیه فرانسویان که دارای تابعیت اصلی، اکتسابی و تبعی هستند از حق شرکت در انتخابات برخوردارند. ماده ۲۲ قانون مدنی فرانسه اعلام داشته است که هر فردی که تابعیت فرانسوی را کسب کند از روز کسب تابعیت از کلیه حقوق این تابعیت برخوردار می شوند. (۱)

با توجه به پیش بینی نظام فهرست رای دهندگان در شعب اخذ رای (Liste électorale) مشکل شرکت در انتخابات برای افرادی که تابعیت فرانسوی را به صورت اکتسابی و یا تبعی اخذ کرده اند بر طرف شده است زیرا که یک نسخه از سند صدور تابعیت و یا تصویر سند ازدواج یک مرد فرانسوی با یک زن خارجی به موسسه ملی آمار و مطالعات اقتصادی (مرجع تدوین سالانه فهرست اسامی رای دهندگان) ارسال می شود و در سایر موارد نیز خود متقاضی حق دارد ظرف یک هفته پیش از انتخابات با مراجعه به کمیسیون اداری انتخابات در شهرداری و یا فرمانداری با ارائه اسناد مثبت تابعیت نام خود را در فهرست مزبور ثبت کند. (۲) البته در روز

برگزاری انتخابات فقط با حکم قاضی، نام فرد جدیدی در فهرست انتخاباتی ثبت می شود. قاضی تا روز قبل از انتخابات به کلیه درخواست ها رسیدگی می کند. (۳)

براساس مفاد ماده ۳ قانون اساسی، کسانی که از حقوق سیاسی و مدنی برخوردارند حق شرکت در انتخابات را دارند.

ماده ۵ قانون انتخابات اعلام می دارد که افراد بالغی که تحت قیمومت دیگران هستند مانند مجانین حق ثبت نام در فهرست های انتخاباتی برای حضور در شعبه اخذ رای را ندارند. (۴) تصویر حکم محجوریت افراد بالغ به مرجع تدوین فهرست اسامی انتخاب کنندگان ارسال می شود و لذا اسامی محجورین در فهرست مزبور درج نمی شود.

ضمناً براساس همین ماده، اشخاصی که به حکم قاضی به علت پاره ای از تخلفات حقوقی و جرائم کیفری از حق شرکت در انتخابات محروم هستند، نمی توانند در فهرست انتخاباتی ثبت نام شوند. این افراد عبارتند از: ۱. محکومان جنایی ۲. اشخاص محکوم به حبس غیر تعلیقی و یا حبس تعلیقی بالاتر از یک ماه با جزای نقدی و یا بدون آن به علل جرایمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس، شهادت دروغ، تهیه گواهی های جعلی، فساد و سو استفاده از موقعیت شغلی، هتک اخلاق و عادات معتبر، جعل در مکاتبات شخصی، تجارتي و یا بانکی.

۳. اشخاص محکوم به سه ماه حبس غیر تعلیقی و یا حبس بالای ۶ ماه تعلیقی به علل جرائم انتخاباتی شامل ارائه مشخصات جعلی و یا پنهان کاری در ثبت نام فهرست انتخاباتی، تقلب در صدور گواهی برای ثبت نام در فهرست، شرکت غیر مجاز در انتخابات قبلی، جعل امضاء سایر افراد در فهرست انتخاباتی پس از رای دادن.

۴. اشخاص محکوم به حکم ورشکستگی (ورشکسته به تقصیر) و یا اشخاص که براساس حکم قاضی خارجی محکوم به ورشکستگی شده و از سوی قاضی فرانسوی حکم آن تأیید شده است. (۵)

البته قانون انتخابات دو مورد رافع از ثبت نام در فهرست انتخاباتی نمی داند، یکی محکومیت حاصل از جنحه که ناشی از بی احتیاطی بوده، و تعمدی در آن ملاحظه نشود، البته مشروط به عدم فرار مجرم، دوم محکومیت صاحبان شرکت های تجاری که در تخلف سوء نیت نداشته اند و صرفاً به جزای نقدی محکوم شده اند. (۶)

البته محرومیت مجموعه افراد فوق الذکر دائمی نیست و فقط محدود به دوره محکومیت می باشد. ضمن اینکه براساس آئین نامه قضایی سال ۱۹۹۴ در مجموعه جرائم فوق الذکر به شرط قید صریح محرومیت از حق رای در حکم صادره از سوی قاضی، این محرومیت حاصل می شود. (۷)

فلسفه پیش بینی محرومیت از حق رای برای پاره ای از جرائم کیفری بر این فرضیه استوار است که فرد مجرم با عمل مجرمانه خود در واقع آگاهانه اقدامی بر ضد نظم اجتماعی و حقوقی مجموعه اعضای جامعه مرتکب شده

است که در نتیجه صلاحیت مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه را در مدت محکومیت از دست می دهد .

در این رابطه به نظر می رسد پیش بینی محرومیت از حق رای برای مجموعه محکومان به جرائم و یا موارد فوق الذکر با توجه به تنوع جرائم ، چندان سازگار با فلسفه حاکمیت مردم ندارد زیرا که به طور مثال فرد محکوم به ورشکستگی اگر چه محجور در تصرفات مالی می گردد ولی از حق شرکت در انتخابات نیز محروم می شود و این با اصل حاکمیت مردمی که از مفروضه های دموکراسی است سازگاری ندارد .

پیش بینی مجازات محرومیت از حق رای برای افرادی که عملیات متقلبانه در انتخابات قبلی داشته اند منطقی به نظر می رسد زیرا که خاطی در مسیر تحقق اصل حاکمیت مردم تعمداً ایجاد خلل کرده است ولی چرا باید سارقی که ممکن است به قصد تامین معاش مرتکب بزه شده باشد از حق مشارکت سیاسی در جامعه نیز محروم شود .

شرایط انتخاب شوندهگان

- ایران

در ارتباط با داوطلبان مقام ریاست جمهوری در ایران ، اصل ۱۱۵ قانون اساسی ، شرایط لازم احراز برای صلاحیت نامزدی ریاست جمهوری را قید کرده است . " رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد .

ایرانی اصل ، تابع ایران ، مدیر و مدبر ، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی ، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور ."

برپایه این اصل ، شرایط لازم برای احراز صلاحیت نامزدی موارد ذیل است :

- ۱ - مذكر بودن با توجه به واژه رجال
- ۲ - سرشناس بودن و برخورداری از اشتهار عمومی با توجه به مفهوم مجازی واژه رجال (۸)
- ۳ . برخورداری از اطلاعات و معلومات مذهبی در سطح کافی و تشرع به احکام مذهبی با توجه به قید رجال مذهبی .
- ۴ . برخورداری از تجربه کاری در امور سیاسی و یا آشنایی کافی با دانش سیاست براساس قید سیاسی
- ۵ . ایرانی الاصل بودن . در تبیین کامل صفت ایرانی الاصل با سؤالاتی روبرو هستیم . آیا منظور همان مفهوم تابعیت اصلی در برابر تابعیت اکتسابی و تبعی است . بدین معنی که منظور قانونگذار افرادی است که صفت ایرانی بودن را در چارچوب مقررات تابعیت به صورت اصلی و نه اکتسابی و تبعی کسب کرده اند که در این صورت اشخاص که حداقل از بدو تولد (بدون ورود به مناقشه حقوقی در زمینه بدو تولد و یا زمان انعقاد نطفه) از طریق سیستم خون و یا خاک در چارچوب مقررات تابعیت در ایران بندهای ۲ ، ۳ ، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی واجد تابعیت ایرانی شده اند ، باید ایرانی الاصل تلقی شوند .

البته این احتمال وجود دارد که منظور از ایرانی الاصل، تابعیت اصلی به مفهوم فوق نیست زیرا که قانونگذار می توانست از واجد صرحیتر "تابعیت اصلی" استفاده کند و قید بعدی "تابع ایران" را ذکر نکند. لذا احتمالاً منظور قانونگذار اشخاصی است که از جانب پدر ایرانی، صفت ایرانی بودن را کسب کنند و پدر خود نیز، واجد تابعیت ایرانی به صورت اصلی و نه اکتسابی بوده باشد. (۹)

بر پایه این استدلال، زادگاه فرد در ایرانی الاصل بودن موثر نیست و چنانچه فردی از پدر ایرانی که تابعیت ایرانی اش به صورت اصل است و نه اکتسابی هر چند که در خارج از ایران متولد شده باشد، ایرانی الاصل خواهد بود.

البته اساساً واژه ایرانی الاصل دارای وضوح کامل در سابقه ادبیات حقوقی ایران نیست. در گذشته در متن قانون اساسی مشروطیت دوبار این واژه بکار رفته که ابهامات مذکور نیز در مورد آنها وجود داشت. یکی ایرانی الاصل بودن مادر ولایت عهد و دیگری اصل ۵۸ که به ایرانی الاصل بودن وزیر دلالت داشت. لذا ممکن است منظور از ایرانی الاصل فردی است که پدرش ایرانی با تابعیت اصلی، مادرش ایرانی با تابعیت اصلی، زادگاهش در ایران است و یا فرض شقوق دیگر از ترکیب این متغیرها و حذف مواردی از آنها.

۶. دارای توانمندی لازم جهت اداره کشور و توانایی مدیریت و تدبیر کافی در امور که به نظر می رسد منظور قانونگذار وجود سوابق موفقیت در مشاغل مدیریتی قبلی نامزد است.

۷. حسن شهرت در گذشته در احد اشتها به حسن سابقه

۸. برخورداری از صفت اجتماعی و اخلاقی امانت و امین بودن تا بتواند امانتی که ملت نزد وی به ودیعه می گذارد حراست کند.

۹. برخورداری از صفت تقوی به معنی پرهیزکاری و ترس از خداوند باری تعالی

۱۰. دارای ایمان و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران که مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم و اصل پنجم قانون اساسی تشریح شده است.

۱۱. شیعه اثناء عشری بودن نامزد با توجه به قید ضرورت ایمان و اعتقاد به مذهب رسمی کشور.

پیش بینی یازده ویژگی فردی برای رئیس جمهور قطعاً عامل تقویت توانمندی های فرد رئیس جمهور است لیکن باید توجه داشت که به استثناء سه ویژگی مذکور، ایرانی الاصل و شیعه بودن، سایر ویژگی ها ماهیت کیفی دارند و حصول قطعیت در وجود یا عدم آنها و یا میزان لازم از هریک برای مقامات اجرایی و نظارتی ابهام آفرین است. آیا واقعاً تعریف جامع الاطراف و یا مانع الاغیاری از مفاهیم رجل سیاسی، رجل مذهبی، مدیر، امین، متقی و غیره قابل ارائه است که بتوان فرد واجد آنها را از سایرین متمایز ساخت.

البته شورای نگهبان به عنوان مرجع تشخیص صلاحیت نامزدها در مقامی است که می تواند در مقام قضاوت قرار گیرد ولی مبنای قضاوت اعضای این شورا نیز مورد سؤال است.

ترکیب اعضای شورای نگهبان (فقها و حقوقدانان) برای تشخیص صلاحیت مذهبی و مسائل حقوقی فرد مناسب است ولی آیا واقعاً این ترکیب اعضا می تواند از زوایای دیگر به صورت تخصصی شناخت کافی از وضعیت نامزدها کسب کند .

با عنایت به گسترش حوزه دانش سیاست به امور داخلی و جهانی و گسترش دانش مدیریت آیا شورای نگهبان می تواند چارچوب مشخصی را برای رجل سیاسی و مدیر و مدبر ترسیم سازد .

چنانچه فردی با آداب دیپلماسی دنیا آشنا نباشد و از سر خامی و بی تجربگی ، منافع ملی کشور را قربانی کند و یا فردی که روش های ابتدایی مدیریت را در مدیریت کشور بکار می گیرد ، ایا صلاحیت نامزدی ریاست جمهوری را دارد و آیا شورای نگهبان با ترکیب فعلی اش می تواند میزان توانمندی نامزدها را در این موضوعات ارزیابی کند .

- فرانسه

در نظام انتخاباتی فرانسه ، شرایط انتخاب شوندگان کمی است و از شروط کیفی پرهیز شده است . وجود چهار شرط برای صدور اعلامیه نامزدی ضروری است .

۱. حداقل سن ۲۳ سال تمام شمسی (۱۰)
۲. تابعیت فرانسوی : بر پایه این قاعده هر شهروند فرانسوی که در زمان صدور اعلامیه نامزدی واجد تابعیت فرانسوی باشد اعم از اصلی ، اکتسابی و تبعی صلاحیت نامزدی را دارد . فقط در ارتباط با اتباعی که تابعیت فرانسوی را به صورت تبعی به طور مثال از باب عقد نکاح زن خارجی با مرد فرانسوی ، کسب کرده اند و ممکن است در خلال دوره ریاست جمهوری به واسطه فسخ این عقد از تابعیت فرانسوی خارج شوند ، محدودیت های لحاظ شده است و در غیر اینصورت هر شهروند فرانسوی در صورتی که در زمان صدور اعلامیه نامزدی واجد تابعیت فرانسوی باشد صلاحیت نامزدی را می یابد .
۳. برخورداری از حق رای در زمان انتخابات ، لذا اشخاصی که در زمان انتخابات به علت محکومیت های قضایی و یا محجوریت از حق رای محروم هستند و نام آنها در فهرست انتخاباتی رای دهندگان درج نشده است ، صلاحیت نامزدی ندارند .
۴. کسب معرفی نامه از سوی حداقل ۵۰۰ شهروند فرانسوی که واجد وضعیت نمایندگی منتخب (*mandate électif*) باشند . بدین ترتیب اشخاص معرف باید پیشاپیش خود در یک انتخابات رسمی شامل انتخابات پارلمانی (مجمع ملی و یا سنا) ، شهرداری ها ، شورای مناطق و یا شورای اقتصادی و اجتماعی در چارچوب ضوابط قانونی انتخاب شده باشند و در زمان معرفی نامزد ، در وضعیت نمایندگی باشند . این ۵۰۰ نفر باید حداقل از ۳۰ حوزه انتخابیه متفاوت و یا سرزمین های ماورا بحار باشند تا نامزد معرفی شده صلاحیت لازم را احراز کند . (۱۱)

شورای قانون اساسی فرم های مشخص و معین را پیش از انتخابات به چاپ می رساند و از طریق مجاری رسمی و به تعداد کافی در اختیار افراد واجد صلاحیت برای معرفی نامزدهای ریاست جمهوری قرار می دهد. معرّف، فرم چاپی که مفاد آن حاکی از اعلام رضایت مندی کامل او برای معرفی یک نامزد است را تکمیل کرده و شخصاً آنرا امضاء می نماید.

در برخی از موارد امضاء معرّف باید توسط مرجعی که در آن معرّف عنوان نمایندگی دارد تأیید شود (۱۲)

هر معرّف فقط حق معرفی یک نامزد را دارد. نام و سمت معرّف باید در برگه معرفی قید شود. معرّف باید برگه معرفی نامه خود را حداکثر ۱۵ روز پیش از چاپ فرمان فراخوان رای دهندگان برای شرکت در انتخابات، با پست سفارشی همراه با رسید به دبیرخانه شورای قانون اساسی ارسال کند. (۱۳)

شورای قانون اساسی بررسی لازم را در زمینه صلاحیت معرّف ها در امر معرفی یک نامزد، صحت صدور معرفی نامه، رضایت مندی کامل معرّف ها به عمل می آورد.

نامزد ریاست جمهوری به محض حصول یقین از کسب حداقل ۵۰۰ امضاء با واریز ده هزار فرانک (امروزه معادل آن به یورو) به حساب خزانه داری کل با ارسال یک نامه به ضمیمه فیش پرداخت به شورای قانون اساسی، اعلامیه نامزدی خود را صادر می کند. (۱۴)

شورای قانون اساسی پس از حصول یقین از ضابطه مند بودن معرفی نامه ها و اعلامیه نامزدی، فهرست نامزدها را به تصویب می رساند. این فهرست باید حداکثر در شانزدهمین روزپیش از دور اول رای گیری در روزنامه رسمی به چاپ رسد. (۱۵)

در نظام انتخاباتی فرانسه شورای قانون اساسی به عنوان یک مرجع دولتی راساً در تشخیص صلاحیت نامزدها مداخله نمی کند و ملاک تشخیص صلاحیت نیز مبتنی بر متغیرهای کمی است. با فرض اینکه انتخابات در واقع فرصتی است به ملت برای ارزیابی و ابراز نظر نسبت به گروه حاکم قبلی و تعیین گروه حاکم در دوره جدید، حتی الامکان سعی می شود از مداخله عوامل مستقیم و غیر مستقیم گروه حاکم قبلی برای تاثیر گذاری در رای و نظر ملت جلوگیری شود. بر این پایه، شورای قانون اساسی که مرجع دولتی برخاسته از گروه حاکم در انتخابات قبلی است، امکان مداخله در تشخیص صلاحیت نامزدها را ندارد.

البته ترکیب اعضای شورای قانون اساسی به نحوی است که سعی شده تعادل لازم میان قوه مقننه و مجریه برقرار باشد. اعضای شورا دو دسته هستند دسته اول اعضای منصوب می باشند که ۹ نفرند و برای ۹ سال منصوب می شوند. رئیس جمهور، رئیس مجمع ملی و رئیس سنا هر یک سه نفر را به اختیار خود برای

عضویت در این شورا منصوب می کنند. هر سه سال یکبار یک سوم این اعضاء جایگزین می شوند. دسته دوم روسای جمهور سابق فرانسه هستند که هنوز در قید حیاتند.

الگوی شرایط احراز صلاحیت در نظام انتخاباتی فرانسه نیز دارای اشکالاتی است. اعطای اختیار کامل برای تأیید صلاحیت یک نامزد به یک جمع ۵۰۰ نفره که خود نیز برگزیدگان انتخابات قبلی هستند این امکان را ایجاد می کند که احزاب و یا افراد متنفذ مالی و یا سیاسی به راحتی بتوانند با تکیه بر ابزار و روش های حزبی، نظر مثبت ۵۰۰ نفر از مجموع ۷۵ هزار نفر واجدین صلاحیت برای معرفی نامزدها را جلب کنند و فردی که فاقد صلاحیت های اخلاقی و یا مدیریتی است معرفی شود.

البته محققان فرانسوی معتقدند که براساس اصل حاکمیت ملت، موضوع تشخیص صلاحیت ها نیز به خود ملت واگذار شده است که ملت از مجرای یک دموکراسی غیر مستقیم به این امر می پردازد.

نتیجه گیری:

در موضوع شرایط انتخاب کنندگان به نظر می رسد نظام انتخاباتی ایران تمایل به افزایش جمعیت شرکت کننده در انتخابات داشته است و احتمالاً این امر را از عوامل ثبات و پایداری نظام دانسته است، لذا با پیش بینی ۱۵ سال شمسی به عنوان حداقل سن لازم، و پیش بینی حق رای برای کلیه اتباع ملی به جزء محجورین از باب جنون، رقم واجدین صلاحیت برای رای دادن را بالا برده است. در این نظام، حتی کلیه محکومین به جرائم کیفری از حق مشارکت سیاسی محروم نمی شوند که چنین امری حاکی از توجه خاص این نظام به اهمیت مشارکت شهروندان و رقم شرکت کنندگان است.

در نظام حقوقی فرانسه، بجای متغیر تعداد شرکت کنندگان، کیفیت مشارکت افراد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر سعی شده فردی که از حداقل صلاحیت های لازم برای مشارکت در تعیین آینده سیاسی کشور برخوردار است، به مشارکت فراخوانده شود، در نتیجه ضمن تأکید بر سن ۱۸ سال شمسی، محکومان به پاره ای از تخلفات حقوقی و کیفری کم و بیش سنگین، از حق رای محروم شده اند.

در ارتباط با شرایط انتخاب شوندگان، حساسیت فوق العاده نظام انتخاباتی ایران برای ویژگی های فردی نامزدهای ریاست جمهوری قابل تقدیر است هرچند که در روش حصول قطعیت از ویژگی های مذکور سوالاتی قابل طرح است.

در نظام انتخاباتی فرانسه، قضاوت تشخیص صلاحیت نامزدی به تعدادی از منتخبان مستقیم مردم واگذار شده است که چنین رویه ای، امکان حضور نامزدهای فاقد توانمندی های لازم را در رقابت انتخاباتی به وجود می آورد.

منابع:

1. Art. L. 32 . Code civil . (L.No.83 – 1046 du 8 déc . 1983)
2. Art. L. 11 du Code électoral (L. No . 75 – 1329 du 31 déc. 1975)
3. Art . L. 34 du Code électoral .
4. Art . L . 5 du Code électoral . (L. No.92 – 1336 du 16 déc. 1992)
5. L . No 85 – 1407 du 30 déc . 1985 . art . 83
6. Art . L . 8 du Code électoral (L . No. 66 – 538 du 24 Juill . 1966)
7. Circulaire (Note crim . 94 – 01 du 21 Fevrier 1994) .
۸. نجفی ، اسناد ، مرتضی فرید محسنی ؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ، انتشارات بین المللی الهدی ، ۱۳۷۹ . ص ۲۹۲
۹. هاشمی ، محمد ، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج ۲ ، نشر دادگستر – قم ، چاپ دوم ، ۱۳۷۹ ، ص ص ۴ – ۳۳۳ .
۱۰. شیخ الاسلامی ، محسن ، حقوق اساسی تطبیقی، نشر شیراز ، ص ۱۰۲ .
11. Lavroff . Dimitri . Georges "Le systeme politique français" .Dalloz. 1997 . Paris P.374
12. Art . 3 et 4 . Décret No 2001- 213 du 8 mars 2001.
13. Ibid.
14. Lavroff . Dimitri Georges. "Le systeme politique..." Op.cit. P. 375 .
15. Art . 7 . Décret No . 2001 – 213 du 8 mars 2001 .